دریچه

پیامدهای سیاسی بحران زلزله

مسعود عاملی‌سخی
عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی قم

● تجارب تاریخی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که بروز سوانح طبیعی در مراکز مهم سیاسی مانند پایتخت‌های کشورها، بندرهای مهم تجاری و بین‌المللی و نیز شهرهای مهم و پرجمعیت می‌تواند منجر به بروز بحران‌های سیاسی شده و نظام‌های سیاسی موجود را با بحران‌های فراوانی مواجه کند.

وقوع بحران‌ها، کارایی و کارآمدی دستگاه‌های اجرائی دولت را با مشکل مواجه می‌کنند. به‌عنوان ساده‌ترین مثال می‌توان به ایجاد بدبینی عمومی نسبت به دستگاه‌های دولتی در زمینه مدیریت و مهار بحران اشاره کرد. آنچه کارآمدی را با بحران مواجه می‌کند، طرز تلقی و باور افکار عمومی است که این باور می‌تواند به دلیل دیدن مشکلات به صورت عینی یا تبلیغ گروه‌های مختلف باشد. ازدست‌رفتن اعتماد عمومی، شاکله دولت‌ها را با بحران جدی مواجه کرده که می‌تواند بازگشت‌ناپذیر باشد.

یکی از دلایل گسترش این طرز تلقی و باور مردم، استفاده گروه‌های سیاسی ناراضی داخلی و خارجی و انجام تبلیغات علیه سیستم است. این مسئله از دو جنبه قابل بررسی است. یک زمان موج انتقادها از سمت گروه و جناح مخالف دولت در داخل کشور است که بحران زلزله را می‌تواند به پاشنه آشیلی برای دولت مستقر تبدیل کند تا با ایجاد موج و استفاده از نارضایتی‌های همگانی، سعی در جذب نگاه‌ها و آرای سیاسی مردم داشته باشد. جنبه دوم از منظر مخالفان سیاسی دولت؛ چه مخالفان داخلی و چه مخالفان خارجی مدنظر قرار می‌گیرد.

در اینجا، هدف انتقادها و حملات، کل سیستم دولتی است و سعی در نشان‌دادن ضعف مفرط دولت و ناتوانی در مهار بحران و کمک به شهروندان آسیب‌دیده دارد. وقوع زلزله‌های مخرب و آسیب‌رسان، فرصت مناسبی را برای عیان‌کردن و احیای ضعف‌های سیستم سیاسی به وجود می‌آورد.

فعال‌شدن باندهای سرقت و نیز گروه‌های فشار بعد از وقوع زلزله، به‌خصوص در شهرهای بزرگ یکی از معضلات دولت در مدیریت بحران است. این مسئله به‌خصوص در شهرهای بزرگ، با تراکم جمعیتی بالا و نیز فضاهای نامناسب شهری، خطرپذیری بالای مراکز مهمی مانند مراکز برق و ... مدیریت بحران پس از رخداد زلزله را با مشکلات بیشتری مواجه می‌کند. گروه‌های سیاسی از این فرصت مناسب برای راه‌اندازی اعتراضات به این اقدام‌ها و ناتوانی دولت در برخورد با این معضلات استفاده خواهند برد. عدم نظارت بر عملیات امدادرسانی و توزیع مناسب کمک‌ها و وسایل، علاوه‌برآن سرقت کمک‌های مردمی داخلی و بین‌المللی به لحاظ سیاسی پیامدهای خطرناکی دارد.

مسلم است که این اقدامات ناامن‌کننده می‌توانند کارآمدی مدیریت دولت را در حل بحران زیر سؤال ببرند.

مهارکردن جمعیت در شهرهای بزرگ آسیب‌دیده در هنگام زلزله یکی از مشکلات دولت است. جمعیت شهر آسیب‌دیده پس از زلزله به دلایل مختلفی می‌تواند افزایش یابد که می‌توان به هجوم مردم سایر شهرها برای خبرگرفتن از اقوام و کمک به آنها، هجوم افراد برای سودجویی و غارت و تأمین منافع فردی و همچنین حضور دلسوزانه مردم برای امداد و نجات اشاره کرد. درمجموع آنچه رخ می‌دهد، افزایش غیرمنتظره جمعیت؛ چه در داخل و چه در حومه شهرهای آسیب‌دیده است که می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد آشوب، تنش و درگیری‌های سیاسی شود.

نکته مهم دیگر، به‌خصوص در کشورهای جهان‌سوم این است که تراکم جمعیت عمدتا در مناطق لرزه‌خیز بیشتر است و از سوی دیگر، کیفیت ساخت‌وسازها در آنجا نامطلوب و نامناسب است. این مطلب به نوعی در شهر تهران خود را به وضوح نشان می‌دهد. بدیهی است که در هنگام زلزله این مناطق می‌توانند مستعد بحران‌های سیاسی باشند؛ مردمانی که علاوه‌بر مشکلات اقتصادی و شکاف‌های طبقاتی موجود، خانه و اموال خود را هم از دست داده‌اند و دیگر چیزی برای ازدست‌دادن بیشتر ندارند.

یکی دیگر از مسائل مهم در بحران‌ها، کسب اعتماد عمومی مردم از طریق انتشار گسترده و همه‌جانبه اخبار درست از بخش‌های مختلف رسانه‌های دیداری و نوشتاری و رادیو و تلویزیون به مردم است، به‌طوری‌که مردم به رسانه‌های داخلی و اخبار منتشرشده توسط آنها به‌عنوان منبع اطلاع‌رسانی اعتماد کنند. دادن آموزش‌های لازم به مردم قبل از زلزله و در ادامه پس از زلزله در زمینه اسکان موقت و مسائل و هنجارهای اجتماعی آن و... بسیار مهم است. باید به این نکته مهم هم توجه کرد که رادیو و تلویزیون محلی یا پایتخت کشور می‌تواند در اثر زلزله تخریب شده یا آسیب ببیند و بنابراین قادر به اطلاع‌رسانی و سرویس‌دهی نباشد، بنابراین باید از قبل به این موارد و سیستم‌های جایگزین فکر کرد.

درمجموع می‌توان یکی از بحران‌های دولت‌ها در بحران را پیامدهای سیاسی آن عنوان کرد که در صورت عدم توجه و مدیریت پایدار به آن، پایه‌های قدرت سیاسی را سست خواهد کرد.

«البرز» جان‌فدای بلوط‌های زاگرس

شرق: فیلمی از او منتشر شده که روی بلندای کوهی به صدای بلند می‌خواند «دریغ است ایران که ویران شود» و مصرع به مصرع جلو می‌رود تا می‌رسد به اینجا که «چو ایران نباشد تن مباد» و حالا تن او نیست، تنی که فدای جنگل‌های بلوط ایران شده است. البرز زارعی کوهنورد ۳۸ساله اهل گچساران که روز دوازدهم خرداد ماه در آتش‌سوزی کوه دیل برای خاموشی شعله‌هایی که بلوط‌ها را می‌سوخت و خاکستر می‌کرد داوطلبانه دل به دریای آتش زد تا جان بلوط‌ها را نجات دهد اما خودش سوخت و تن رنجور و آسیب‌دیده‌اش پس از ۱۸ روز از جان تهی شد.

البرز روز جمعه از دنیا رفت. اما مثل نمادی ماندگار از ایران‌دوستی و حفاظت از محیط زیست و طبیعت در خاطر ایرانیان باقی خواهد ماند. مرد جوانی که وقتی دید جنگل‌های زاگرسی کوه دیل می‌سوزند، تاب بی‌تفاوتی نداشت و به جنگ شعله‌ها رفت و آنچنان جنگید که جانش را در این راه گذاشت.

او از کوهنوردان انجمن کوهنوردی زاگرس و از اعضای فعال تشکل زیست‌محیطی سبزگامان کهگیلویه و بویراحمد بود و هنگام تلاش برای خاموش‌کردن آتش در مناطق دیل و کوه‌های خامی واقع در ارتفاعات گچساران دچار سوختگی شدید شد. شرح حادثه‌ای که درنهایت منجر به فوت او شد به نقل از مسئولان استانی این‌گونه ذکر شده است: «این ایثارگر ۳۸ساله در بیمارستان سوانح سوختگی اصفهان درگذشت. البرز زارعی در عملیات آتش‌سوزی کوه دیل در حالی که در محاصره آتش و شدت آتش و باد زیاد بود، به همراه سه نفر دیگر که یکی از داوطلبان سپاه گچساران بود، در محاصره شعله‌های آتش به صخره‌ای پناه برده که سقوط می‌کند و پس از افتادن در آتش، دچار سوختگی شدید می‌شود. بلافاصله پس از دریافت گزارش این حادثه از طرف چند امدادگر حاضر در محل بالگرد برای انتقال وی درخواست شد اما به دلیل ناتوانی بالگرد برای نشستن در محل حادثه مصدوم با آمبولانس به بیمارستان اعزام شد. این کوهنورد چند روز در بیمارستان شهید بهشتی یاسوج بستری بود که با پیگیری استاندار استان کهگیلویه و بویراحمد به بیمارستان سوختگی اصفهان انتقال یافت و پس از چند روز که تحت درمان بود و در حالی که امیدهای زیادی برای نجات جانش وجود داشت، عفونت ناشی از سوختگی بالای ۶۰درصدی جسم و جانش را به کام مرگ کشاند و برای همیشه پلک‌های سوخته‌اش را بست».

پیکر بی‌جان و سوخته البرز که در بیمارستان سوانح و سوختگی اصفهان بستری بود، ظهر روز شنبه برای خاکسپاری در شهر زادگاهش گچساران به استان کهگیلویه و بویراحمد منتقل شد و در یاسوج مرکز استان با استقبال معاون عمرانی استاندار، مدیرکل محیط زیست، منابع طبیعی، راهداری، مدیریت بحران، فرمانده تیپ ۴۸ فتح، فرمانده ناحیه مقاومت بویراحمد، رئیس سازمان آتش‌نشانی یاسوج و مسئولان و نیروهای مردمی و اداری مختلف در جلوی پلیس راه یاسوج- اصفهان تشییع شد.

وحید محمدی‌تبار، مدیرکل مدیریت بحران استانداری کهگیلویه‌وبویراحمد در حاشیه این مراسم گفت: از مسئولان و متولیان امر انتظار داریم با کسانی که جنگل‌ها، طبیعت، محیط زیست و منابع طبیعی استان را آتش می‌زنند و به استان و کشور خیانت می‌کنند، برخورد شدید قانونی شود. البرز زارعی نامش همیشه ماندگار خواهد ماند. مراسم تشییع و خاکسپاری البرز زارعی ساعت ۱۸ عصر روز شنبه ۳۱ خرداد در بهشت زهرای گچساران برگزار شد و تن بی‌جان او که فدای جنگل‌ها شده بود در میان استقبال و تشییع پرشمار همشهریانش به خاک سپرده شد.

نام و یاد البرز زارعی از همان روزی که دچار سانحه شد و کارش به بیمارستان کشید، با بزرگداشت بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی همراه شد و هر روز پیگیر و جویای احوالش بودند و خبرنگاران زیادی نیز لحظه به لحظه شرایط و وضع جسمانی او را هم‌رسانی می‌کردند. در این مدت هم گروه‌های حامی و دوستدار محیط زیست شهر اصفهان چندین بار به ملاقاتش رفتند.

آنچه در ادامه آمده است بخشی از یادداشتی است که احسان محمدی در سایت عصرایران در ستایش البرز نوشته است: «در روزی که همه سرها به طرف رومانی چرخید و خبر مرگ یک قاضی تیتر تمام خبرگزاری‌ها شد، از اصفهان خبر دادند البرز زارعی کوهنورد و فعال محیط زیست در بیمارستان جان باخت. دو مرگ در یک روز. اما این کجا و آن کجا؟

«البرز» حالا به یک نام و نماد تبدیل شده، گرچه تن‌اش خاکستر شد و ذره ذره وجودش با خاک وطن گره خورد. ۱۸ روز روی تخت بیمارستان رنج کشید، در اوج جوانی دست از زندگی شست اما مایه مباهات است. خانواده و دوستدارانش اشک‌آلود اما با غرور سرشان را بالا می‌گیرند. به احترام یک قهرمان. درست مثل احسان عزیزی، محمد پژوهی، رحمت حکیمی‌نیا، شریف باجور و امید حسین‌زاده و ... در عصری که نام اختلاسگران، دلقک‌ها، تشنگان شهرت و قدرت و... در فضای مجازی بیش از دیگران تکرار می‌شود، خوشا «البرز»بودن. خوشا عاشقان بی‌نشانی که پسران و دختران وفادار این سرزمین رنجور هستند. البرز زارعی‌مقدم تا زنده بود نه قلمی برای حکم‌راندن داشت و نه داغ و درفشی برای سرزنش دیگران، نه پولی از بیت‌المال به جیب خودش ریخت و نه جایی گریخت. اتفاقا وقتی آتش به جان زاگرس افتاد، نه رمید، نه گُسست. به میان معرکه رفت تا از بلوط‌ها، از سرزمین مادری و از وطن‌اش دفاع کند. در روزگارِ «به تو چه؟» و «کلاه خودت را بچسب» چقدر به قهرمان‌هایی مثل اَو نیاز داریم که پشت شجاعتش پنهان شویم».

تخریب طبقه غیرمجاز ملک ریاست‌جمهوری

شرق: «روحانی و ساخت چهار هزار متر بنای غیرقانونی در نیاوران»؛ این بخشی از خبری است که در روزهای گذشته در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد و با تأیید یک عضو شورای شهر تهران رسمیت پیدا کرد. «محمدجواد حق‌شناس» با بازنشر این خبر نوشت که «این خبر را بررسی کردم، متأسفانه حقیقت دارد. دو نفر از اعضای شورا از محل بازدید کردند، با تذکری که داده شد پروانه به تاریخ ۲۹ خرداد صادر شد. وجود برخی تخلفات محرز است». این عضو شورای شهر تهران البته ساعتی پس از انتشار توییت اول، جملات تازه‌ای نوشت که تا اندازه‌ای صحت خبر اول را رد می‌کند. او دراین‌باره نوشت: «تخریب بنای طبقه غیرمجاز ریاست‌جمهوری با نظارت همکارانم در شورای اسلامی شهر». به عبارت دیگر رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران که نخست از تخلف ملک متعلق به ریاست‌جمهوری گفته بود، در ادامه این تخلف را مربوط به ساختمان نهاد ریاست‌جمهوری دانست و از تخریب آن خبر داد. ماجرا البته به همین‌جا ختم نشد و شهرداری منطقه یک و همچنین روابط‌عمومی نهاد ریاست‌جمهوری توضیحات تازه‌ای دراین‌باره مطرح کردند.

ماجرای ملک حاشیه‌ساز

ماجرا از نوشته یک روزنامه‌نگار و همچنین نامه ساکنان محله‌ای در منطقه جماران تهران شروع شد؛ در گام نخست «مصطفی فقیهی»، روزنامه‌نگار و صاحب امتیاز پایگاه خبری انتخاب، از تخلف غیرقانونی شخص رئیس‌جمهوری درباره ساخت یک پلاک غیرمجاز در جماران خبر داد و نوشت: «روحانی (رئیس‌جمهور) و ساخت چهار هزار متر بنای غیرقانونی در نیاوران! قبل‌تر گفته بودم، روحانی قصد مهاجرت به جماران دارد؛ اما او اینک در حال ساخت چهار هزار متر بنا بدون اخذ جواز از شهرداری و در زمینی دارای کاربری باغ است، آن‌هم بدون رعایت ضوابط و مقررات و صد درصد سطح اشغال!».

چند روز بعد هم «محمدجواد حق‌شناس»، عضو شورای شهر، با بازنشر این نوشته در صفحه اجتماعی خود ضمن تأیید این ساخت‌وساز غیرمجاز، از حضور دو عضو شورای شهر در محل و اقدامات لازم برای تخریب بخش‌های غیرقانونی خبر داد. در کنار این نوشته‌ها نامه جمعی از اهالی محله جماران خطاب به شهردار منطقه یک هم تأییدی بر این ساخت‌وساز بود که در آن نامه آمده بود: «احتراما این‌جانبان امضاکنندگان اهالی محله جماران به عرض می‌رسانیم که مدتی است شخص یا اشخاص نامعلوم ادعای ارتباط با مقامات دولتی مبادرت به ساخت‌وساز غیرقانونی در مقیاس وسیع در بخشی از اراضی واقع در یاسر، خیابان شهید حمید حسنی‌کیا، اول چوبینه کرده‌اند و بدین ترتیب با تخطی از موازین شهرسازی و مقدرات شهرداری عملا سبب ضرر به حقوق مادی و معنوی اهالی محل شدند و سبب‌ساز ایجاد جو نارضایتی در سطح عمومی شدند».

آنها در ادامه نامه خود این رفتار را مصداق نقض حقوق شهروندی دانستند و خواستار توقف عملیات ساختمانی شدند: «پرواضح است که چنین اقداماتی نه‌تنها از مصادیق بارز نقض حقوق شهروندی محسوب و سبب ضایع‌شدن حقوق حقه ساکنین می‌شود، بلکه با قواعد و اصول فقه خصوصا قاعده لاضرر در تعارض بوده و امری خلاف قانون و شرع تلقی می‌گردد. حال با عنایت به مراتب مذکور استدعا داریم دستور فرمایید با قید فوریت به موضوع رسیدگی شده و اقدامات مقتضی برای توقف عملیات ساختمانی و وضع به حالت قبل معمول گردد». حق‌شناس که پیش از این از تأیید این ساخت‌وساز غیرمجاز خبر داده بود، البته در گام دوم تخلف را مربوط به نهاد ریاست‌جمهوری و نه شخص رئیس‌جمهوری دانست و از تخریب طبقه غیرمجاز هم خبر داد.

شهردار منطقه یک: نیم‌طبقه خلاف ضابطه بود

ماجرای ساخت‌وساز ملک نهاد ریاست‌جمهوری البته به همین‌جا ختم شد و با توجه به قرارگرفتن این ملک در منطقه یک تهران و جماران، توضیحات شهردار این منطقه را به‌همراه داشت. «حمید موسوی» روز گذشته و درباره جزئیات این تخریب با بیان اینکه شش سال پیش مجوز گودبرداری در ملکی متعلق به نهاد ریاست‌جمهوری در جماران صادر شد و در نهایت یک گود ۱۴ متری حفاری شد، به ایسنا گفت: «اما بعد از مدتی این گود به حال خود رها شد و به مرور زمان به علت عمر محدود سازه نگهبان در زمره گودهای پرخطر قرار گرفت».

او با بیان اینکه پیش از سال جدید، نهاد ریاست‌جمهوری نسبت به تکمیل ساخت‌وساز و درخواست اخذ پروانه نیز اقدام کرد، گفت: «کاربری ملک، مسکونی و براساس ضوابط طرح تفصیلی دارای تراکم ۳۰۰ درصد است و برخلاف برخی اخبار منتشره این ملک باغ نیست و به عبارتی مستند به مصوبه کمیسیون ماده هفت از سال ۹۳ نوعیت ملک، باغ نیست و همچنین تأییدیه جدید کمیسیون ماده ۷ مبنی بر باغ‌نبودن را نیز دارد». شهردار منطقه یک با تأکید بر اینکه براساس ضوابط طرح ویژه مصوب ساماندهی محدوده جماران، در شورای عالی شهرسازی در مجاورت حسینیه شماره یک تعداد طبقات مجاز به‌صورت دو طبقه روی زمین است، ادامه داد: «طرح ارائه‌شده به‌صورت دو طبقه روی زمین و سه طبقه زیرزمین ارائه شده است که منطبق بر ضوابط طرح تفصیلی است و همچنین براساس پهنه ملک، می‌توانستند ۷۰ درصد سطح اشغال داشته باشند؛ اما حدود۶۰ درصد ساخت‌وساز داشتند که کمتر از ضوابط طرح تفصیلی شهر تهران است. همچنین رعایت بر اصلاحی و شیب زیاد زمین (اختلاف ۹ متری شمال و جنوب زمین) شرایط خاصی را به وجود آورده است».

موسوی البته در ادامه از تخلفی نیم‌طبقه‌ای در این ساخت‌وساز تازه خبر داد و گفت: «در حین اجرای کار، مأموران شهرداری متوجه ساخت یک نیم‌طبقه برخلاف ضوابط مصوب شدند که عصر روز جمعه، مأموران اجرائیات نسبت به تخریب آن اقدام کردند. این ملک متعلق به نهاد ریاست‌جمهوری است و ملک شخصی نیست، اما متأسفانه در فضای مجازی اخباری مبنی بر تخریب ملک رئیس‌جمهور منتشر شده است که صحت ندارد. این ملک متعلق به نهاد ریاست‌جمهوری است و درحال‌حاضر نیز سازنده بنیاد مسکن است».

روابط عمومی ریاست‌جمهوری: شیطنت آشکار بود

انتشار گسترده این خبر و همچنین تأیید آن از سوی یک عضو شورای شهر تهران، با واکنش روابط‌عمومی نهاد ریاست‌جمهوری هم همراه شد که انتشار چنین خبری را یک شیطنت آشکار دانست و دراین‌باره توضیحاتی ارائه کرد. روابط عمومی ریاست‌جمهوری در اطلاعیه‌ای با تکذیب اصل خبر دراین‌باره توضیح داد:

«۱- ملک مذکور از جمله املاک قدیمی متعلق به نهاد ریاست‌جمهوری است و به‌هیچ‌وجه مالکیت شخصی ندارد و در سال‌های گذشته نیز از سوی نهاد ریاست‌جمهوری مورد استفاده قرار گرفته است.

۲- این ملک قدیمی بر اثر گذر زمان و عدم رسیدگی در سال‌های گذشته دچار آسیب‌های جدی شده و به شکل نیمه مخروبه درآمده بود که در چند سال قبل برای ساخت گودبرداری شده بود. رهاشدن گودبرداری مورد اعتراض همسایگان بوده و بیم آن می‌رفت که به منازل آنان نیز آسیب بزند، به همین جهت ساخت آن در سال گذشته در دستور کار قرار گرفت». در ادامه این اطلاعیه بر کاربری غیرمسکونی و غیرشخصی این ملک هم تأکید شده و آمده است: «کاربری ملک مذکور مسکونی و شخصی نبوده و ساختمانی با کاربری اداری است و انتشار خبر ساخت منزل مسکونی برای رئیس‌جمهور در عین کذب‌بودن، یک شیطنت آشکار و کاملا با اغراض مشخص صورت گرفته است. ساخت این ملک با هماهنگی کامل با شهرداری تهران انجام شده و موضوع تخلف و ساخت خارج از روابط نیز کاملا فاقد حقیقت است».

در ادامه این اطلاعیه البته منتشرکنندگان خبر هم به داشتن برنامه برای این ملک متهم شده‌اند که دراین‌باره آمده است: «این خبرسازی کذب براساس برخی قرائن موجود از سوی کسانی صورت گرفته که طی سال‌های گذشته برنامه‌ای برای این ملک داشته‌اند که به علت عدم توفیق در رسیدن به اهدافشان دست به فضاسازی‌هایی این‌چنین زده‌اند». اگرچه این اطلاعیه از هماهنگی کامل با شهرداری می‌گوید اما به نظر می‌آید براساس توضیحات رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران و همچنین سخنان شهردار منطقه یک، دست‌کم درباره یک نیم‌طبقه هماهنگی انجام و مجوز لازم اخذ نشده و به‌همین‌دلیل مدیران شهری از تخریب بخش غیرمجاز ملک سخن می‌گویند.

نگاه

چرا علما در محیط زیست ایران اختلاف دارند؟

ابراهیم احمدیان

● اینکه در فقه میان فقها اختلاف درگیرد عادی است. در دانش‌هایی که اساس کار آنها بر تفسیر متون مکتوب مبتنی است، وقوع این امر طبیعی است. اما این قدری عجیب می‌نماید که میان متخصصان علوم تجربی در موضوعاتی اختلاف پیش آید که با آزمایش، آمارگیری، مطالعه میدانی و غیرمیدانی می‌توان به نتیجه قطعی یا نزدیک به قطع در آنها رسید. گویا بسیاری از مسائل مهم زیست‌محیطی ایران چنین شده و هم‌اکنون «علما»ی علم تجربی ما در آن اختلاف دارند! مثلا آیا قرقگاه شکار در ایران به صلاح محیط زیست و حیات وحش است یا خود به شیوع شکار و بالابردن خطر انقراض گونه‌های حیوانی دامن می‌زند؟ آیا مالچ‌پاشی مفید است یا مضر؟ آیا جمعیت سگ‌های بی‌صاحب را با کشتار می‌توان کنترل کرد و شهرداری‌ها از جمع‌آوری و معدوم‌سازی سگ‌ها در بیش از ۵۰ سال به چه ثمره‌ای دست یافته‌اند و آیا این کار جمعیت سگ‌ها را کنترل کرده یا هیچ فایده‌ای نداشته؟ آیا یوزهای ایرانی را می‌توان در اسارت به زادآوری وادار ساخت؟ آیا آتش‌سوزی در مراتع و جنگل‌های طبیعی ایران طبیعی است یا عامل انسانی دارد؟

این اختلافات علل مختلفی دارند ولی در بسیاری از موارد یکی از این دو علت یا هر دو باهم در کارند:

علت اول: نبود پژوهش درست‌ودرمان درباره موضوع و مسئله و بسنده‌کردن به نظریه‌های گذشتگان و پژوهش‌های قدیمی. مالچ‌پاشی ازاین‌دست موضوعات است و یکی از علل مهم اختلاف کارشناسان و مسئولان امر مالچ همین است. آیا پژوهش‌های جدید با تکیه بر یافته‌های نو میدانی، کتابخانه‌ای و آزمایشگاهی، هزینه‌هایی دارند که سازمان‌های مسئول از عهده آن برنمی‌آیند یا این سازمان‌ها نیازی به پژوهش جدید نمی‌بینند؟

علت دوم: منافع اشخاص یا نهادها و سازمان‌ها. این عامل بسیار مهم است و البته قصد آن نداریم اتهامی به اشخاص حقوقی یا حقیقی وارد سازیم ولی احتمال اینکه کسانی برای رسیدن به درآمد مالی بکوشند تا نظریه‌ای اشتباه را جا بیندازند یا نظریه‌ای منسوخ‌شده را همچنان سرپا نگه بدارند، همواره هست.

برای نمونه باید توجه کرد که برای مالچ‌پاشی پول کلانی پرداخت می‌شود یا برخی شهرداری‌ها سالانه میلیاردها تومان بودجه برای جمع‌آوری سگ‌های بی‌صاحب دریافت می‌کنند بی‌آنکه بررسی شود که تأثیر جمع‌آوری چه بوده یا قرقگاه‌های شکار گردش مالی قابل‌توجهی دارند به‌گونه‌ای که چندی پیش سازمان حفاظت محیط زیست اعلام کرد ۳۰ متقاضی در نوبت دریافت پروانه برای ایجاد قرقگاه شکار اختصاصی‌اند. تزاحم و تعارض منافع میان سازمان‌های دولتی نیز بسیار مهم است.

متأسفانه گاه دیده می‌شود که فلان سازمان یا وزارتخانه، منافع و وظایف خود را بدون ارتباط با منافع و وظایف دیگر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها تعریف می‌کند؛ مثلا ممکن است وزارت کشاورزی بکوشد تا طرح‌هایی را برای رونق کشاورزی پی بریزد بی‌آنکه منافع و وظایف سازمان دیگری مانند حفاظت محیط زیست را ملاحظه کند.

اگر روزی بخواهیم تکلیف مسائل اختلافی را روشن کنیم، بی‌تردید باید این دو علت احتمالی را در نظر بگیریم و ظاهرا بدون درنظرگرفتن این دو علت، ریشه مسائل اختلافی ما در محیط زیست کشف و این مسئله‌ها حل نخواهند شد.

شرکت توزیع نیروی برق استان فارس(سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شماره ۳۹-۱-۱-۹۹

شناسه آگهی ۸۸۳۷۱۴
نوبت دوم

۱- نام مناقصه‌گزار: شرکت توزیع نیروی برق استان فارس به آدرس شیراز خیابان معدل حدفاصل فلسطین و ملاصدرا تلفن: ۸۰-۳۲۳۱۹۵۷۴-۰۷۱ تلفن امور تدارکات: ۳۲۳۱۷۸۶۹-۰۷۱
۲- موضوع مناقصه: مناقصه خرید انواع اتوترانسفورماتور ۵ تپ ۱۰ درصد افزایش ولتاژ از تولیدکنندگان واجد صلاحیت از شرکت توانیر
۳- زمان دریافت اسناد مناقصه: در ساعت اداری (از ۷/۳۰ الی ۱۴/۳۰) از تاریخ ۹۹/۰۴/۰۱ لغایت ۹۹/۰۴/۰۵ به مدت ۵ روز کاری
۴- مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد: فیش واریزی به مبلغ ۲۲۰۰۰۰ریال واریز به حساب جاری شماره ۷۳۸۲۷-۷۸۶۰ بانک تجارت شعبه فلسطین شیراز
۵- آدرس محل دریافت اسناد: دسترسی به اسناد مناقصه از طریق شبکه اطلاع‌رسانی معاملات توانیر به نشانی www.tavanir.org.ir و شرکت توزیع نیروی برق استان فارس به آدرس www.farsesc.ir امکان‌پذیر می‌باشد. **۶- آدرس محل دریافت پیشنهاد:** شیراز- خیابان معدل- حدفاصل فلسطین و ملاصدرا- ساختمان ۱۴۷- شرکت توزیع نیروی برق استان فارس- امور تدارکات- تلفن ۳۲۳۱۸۶۱۷ **۷- زمان تحویل اسناد:** ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۹۹/۰۴/۱۶ **۸- محل برگزاری مناقصه:** شرکت توزیع نیروی برق استان فارس- طبقه اول- دفتر معاونت پشتیبانی **۹- زمان بازگشایی پاکات:** پیشنهادهای واصله ساعت ۱۳ ظهر روز دوشنبه مورخ ۹۹/۰۴/۱۶ با حضور اعضاء کمیسیون مناقصه باز و قرائت می‌گردد. به پیشنهادهای فاقد امضاء مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر در بند ۷ آگهی مناقصه واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد. ۱۰- ذکر شماره مناقصه روی پاکات الزامی بوده و حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه آزاد است. **۱۱- تضمین شرکت در مناقصه:** مبلغ ۱/۶۵۹/۹۲۵/۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه معتبربانکی ، چک بانکی یا چک تضمین شده در وجه مناقصه‌گزار یا مطالبات بلوکه شده توسط امور مالی این شرکت می‌باشد که بایستی در پاکت الف قرار گرفته و همزمان با سایر پاکات تحویل مناقصه‌گزار گردد. ضمناً تضمین کمتر از مبلغ یاد شده یا سایر موارد (چک ضخصی وجه نقد و ...) قابل قبول نمی‌باشد. ۱۲- شرکت توزیع نیروی برق فارس در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار می‌باشد
۱۳- پرداخت هزینه حمل و کسورات قانونی به عهده برنده مناقصه می‌باشد
۱۴- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.

شرکت توزیع نیروی برق استان فارس